

موسای آل محمد (ص)

نظیفه سادات مؤذن

یا موسی! آمده‌ام به درگاهت که گفتند تو باب‌الحوائجی. گفتند شفای بیماری‌ها نزد توست. دل بیمارم را در دست گرفتم و دوان دوان آمدم به پیشگاهت. ملائک صف در صف ایستاده‌اند و مدح تو بر لب دارند. یکی از مادرت می‌گوید که فقیه و دانشمند بود؛ چنان‌که امام صادق (علیه السلام) زنان را به ایشان ارجاع می‌داد تا مسائل شرعی خود را بپرسند و می‌فرمود: حمیده چون شمش طلاست و از هر پلیدی به دور است. یکی از عشق پدرت به تو می‌گفت که بعد از میلاد پر سرورت سه روز مردم شهر را اطعام فرمود و چون از میزان علاقه‌اش به تو پرسیدند، فرمود: آن قدر موسی را دوست دارم که دلم می‌خواست فرزندی غیر از او نداشتم تا تمام محبتم برای او باشد و کسی در دلم شریک او نشود. آن دیگری از القاب تو می‌گفت که کاظم خواندند چون بخشایشات زبانزد همه بود. هر کس به تو بدی می‌کرد، به او احسان می‌کردی. عبد صالحت نامیدند به جهت عبادات بسیار، سجده‌های طولانی و نوافل مداوم. باب‌الحوائج گفتند چون هر کس به حضرتت متوسل شد، به حاجت خود رسید. صف بی‌پایان ملائک بر درگاهت، مدح بی پایان تو را می‌گویند. می‌گذرم و می‌شنوم و امیدوارتر پیش می‌آیم. به درگاه مولای کریمی آمده‌ام. ای موسای آل محمد (صلی الله علیه و آله)! از مصر خودخواهی‌ها گریخته‌ام تا به سرزمین موعود پیروی شما وارد شوم. لشکریان فرعون در پی‌ام روان‌اند و نیل بزرگ دنیا در پیش رو موج می‌زند. به عصای هدایت راه بگشا و مرا تا آن سرزمین موعود بهشتی رهنمون باش.